

## « افغان »

در شعر جناب کریم «پیکار پامیر»

### توفان جنون

آن سیه مست خون آشامی که دل ها پاره کرد  
رو سیه (\*) در پیشگاه قوم افغان گشته است

\*\*\*\*\*

روز ما چون شام تار ازدست دونان گشته است  
مرگ مردان خردمند سخت آسان گشته است  
رفت فصل نوبهار و مُرد آوای هزار  
گوئیا فصل بهار ما زمستان گشته است  
از خرابی های توفان جنون ، وای حسرتا !!  
عالمی بنگر کنون با خاک یکسان گشته است  
کودک گم کرده مادر بین که در ویرانه ها  
اشک ریزان از غم و زار از پی نان گشته است  
ملتی رزمنده و نام آور دوران وای !!  
از قضا ، درمانده دام زبونان گشته است  
آن سیه مست خون آشامی که دل ها پاره کرد  
رو سیه (\*) در پیشگاه قوم افغان گشته است

شاد خواهم قلب محزون توای مام وطن  
گرچه «پیکار» تو محزون و پریشان گشته است